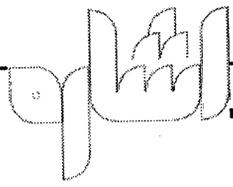


دینی پروہان  
مہدویت از دیدگاه  
و  
اسلام شناسان  
غربی (۴)



تحقیق در زمینه مهدویت و همچنین تبلیغ فرهنگ آن، ابعاد گوناگونی را در بر می‌گیرد که از آن جمله است بررسی مهدویت از منظر دین پژوهان، اسلام‌شناسان و شیعه‌شناسان غربی تا هم نسبت به رویکردها و روشهای علمی-تحلیلی این دانشمندان نسبت به مسئله مهدویت، شناخت تفصیلی پیدا کرده باشیم و هم از سوی دیگر این شناخت، خود زمینه‌ای باشد برای تبلیغ کارآمد و شناساندن به روز شخصیت حقیقی آن وجود بزرگوار به فرهنگ و تمدن غرب.

با این نیت بود که کلیه دایرة المعارف‌های تخصصی موجود در زمینه‌های اسلام، دین، یهودیت و مسیحیت را با دقت و وسواس تمام مورد بررسی قرار دادیم و مدخل‌های مربوط به موضوع مهدویت را از آنها استخراج نمودیم تا بدین ترتیب در کمترین حجم ممکن، فشرده‌ترین، جدیدترین و معتبرترین تئوری‌ها و تحلیل‌های علمای غربی را در باب مهدویت ارائه کرده

باشیم. در این مقاله، سومین و آخرین قسمت مدخل مهدویت را که از دایرة المعارف دین ویراسته میرچالیاده، برگزیده شده است به خوانندگان گرامی تقدیم می‌داریم.

لازم به یادآوری است آنچه در اینجا آورده می‌شود اندیشه کوتاه و یا غلط دین پژوهان غربی در باب مهدویت از منظر اسلامی و یا شیعی است و پرواضح است که تکیه آنها بر منابع اهل سنت و اطلاعات ناقص و محدود آنها از شیعه امامیه است. این مقاله و امثال آن به وضوح نشان دهنده دو نکته مهم است. یکی اینکه فرهیختگان و دانشمندان غربی منابعی از شیعه در دسترس ندارند و اگر چیزی هست برخی منابع اهل سنت است. دیگر اینکه علما و حوزه‌های شیعی برای معرفی شیعه و مبانی اعتقادی آن به فرهیختگان و دانشمندان جهان، چه مسئولیت سنگینی پیش رو دارند.

## مقدمه

مدخل مهدویت در دائرة المعارف دین ویراسته میرچالیاده مشتمل بر سه مقاله است که عبارتند از:

۱. نگاه اجمالی
  ۲. مسیحا باوری در دین یهود
  ۳. مهدویت در اسلام
- مقاله اول (انتشار یافته در شماره ۶ فصلنامه) مروری بین فرهنگی بر مفهوم و عقیده مسیحا باوری در ادیان مختلف به ویژه در مسیحیت بود. مقاله دوم (انتشار یافته در شماره ۷ فصلنامه) به یقین مسیحا باوری در سنت یهود پرداخت و مقاله سوم که هم اکنون پیش روی شماست به ترسیم

سیمای مهدویت در اسلام از منظر اسلام شناسان غربی می‌پردازد.

دیدگاه دانشمندان و دین‌شناسان غربی نسبت به ویژگی‌های حضرت مهدی (عج) تا حدود زیادی متأثر از متون و شخصیت‌هایی است که با جایگاه عصمت، مبانی غیبت، تاریخ زندگی ایشان و به طور کلی دیدگاه شیعه‌ی دوازده امامی نسبت به آن حضرت، آشنایی کاملی نداشته‌اند، همچنان که در قسمت کتاب‌شناسی این مقاله ملاحظه می‌شود، در اکثر برداشت‌ها کتب غیراصولی و دست دوم، ملاک قضاوت بوده‌اند و نویسنده‌ی بخش سوم مقاله (مهدویت در اسلام) در

ابتدای کتاب‌شناسی خود تذکر می‌دهد که هیچ مطالعه‌ی جامعی را در خصوص کل موضوعات مربوط به حضرت مهدی (عج) و نهضت‌های تاریخی نیافته، تنها دو کتاب را می‌تواند به عنوان منابعی مهم در خصوص ظهور اولیه، سابقه و توسعه دیدگاه حضرت مهدی (عج) در نهضت‌های شیعه، معرفی نماید.

اول، کتاب «آغاز مهدویت» اثر ژان اولاف بلیچ فلدت؛ و دوم، کتاب «مهدویت در اسلام: ایده مهدی در شیعه دوازده امامی» اثر عبدالعزیز ساشادینا.

واضح است که منظور اصلی از ترجمه این مقاله و سایر مقالاتی که در دائرة المعارف‌های معتبر غربی در مورد حضرت مهدی (عج) به قلم بزرگترین دین‌شناسان و اسلام‌شناسان غربی نگارش یافته، صرفاً آشنایی با دیدگاه و نگرش آنان نسبت به آن وجود عزیز است نه تأیید کامل عقاید و کج فکری‌های آن دانشمندان. لذا ترجمه این نوع مقالات می‌تواند زمینه‌ای برای شناخت هر چه دقیق‌تر عقاید بزرگان شیعه‌شناسی غرب در مورد حضرت فراهم آورد تا این شناخت، خود مبنایی برای تبلیغ صحیح و شناساندن شخصیت حقیقی آن امام عزیز به مردم و اندیشمندان دیار غرب باشد. ان شاء الله.

(مترجم)

### مهدویت در اسلام

شخصیت اسلامی مهدی - به معنی "هدایت شده" یا "هدایت شده از سوی خداوند" (این واژه ریشه عربی دارد و وجه مجهول فعل هدی به معنی "هدایت کردن" است) - اشتراکات زیادی با تجربه‌ی مسیحایی یهودی - مسیحی سابق دارد. انتظار پیامبری از سوی خداوند در آخر زمان، در تاریخ اسلام به اندازه تاریخ ادیان نقش مهمی داشته است. اما به عنوان یک پدیده کلی اسلامی، عقاید مربوط به مهدی را نمی‌توان صرفاً به لحاظ فرجام شناختی به طور کامل درک کرد و مقایسه با مسیح‌باوری یهود یا مفهوم مربوط به بازگشت مجدد

عیسی مسیح در مسیحیت، پیچیدگی آن را در بافت اسلامی حل نمی‌کند. ضمناً نباید آن را غیرمتعارف و متعلق به یک فرقه و صرفاً بازتاب دیدگاه‌های افراطی دانست. امیدهای مسیحایی بخشی از روند نخستین جامعه اسلامی در شکل دهی خود بود و در تقسیم مسلمانان به دو شاخه بزرگ رقیب، نقش داشت. از آن خود کردن مجموعه اسطوره‌های مسیحایی توسط اسلام نقش مهمی را در محیط‌های مختلف فرهنگی، ایدئولوژیکی ایفا نموده، به عنوان عاملی بنیادی در جنبش‌های اصلاح طلبانه و احیاگر، حوزه‌های علمیه، و تعالیم فلسفی عمل کرده است.

### نخستین نمود اسطوره مهدی

گرایش مسیحایی آشکار در اسلام نو ظهور را می‌توان با روحیه پرشور امید به مهدی دریافت، روحیه‌ای که طی قرون پنجم و ششم میلادی بر خاور نزدیک سایه افکنده، تحت هیجان شناختی مذکور در قرآن، به سوی آخرتی آرمانی گرا تقویت شده بود. تأکید فراوان قرآن بر موضوع روز قیامت، علائم زمان و پاداش صالحان و عذاب بدکاران، باعث برانگیختن وجه ادبی و روانی مکاشفه‌گرایی می‌گردد. در دوره‌ای که بلافاصله به روز قیامت منتهی می‌شود، نشانه‌های تهدیدآمیزی از بی‌نظمی در عالم رخ می‌دهد که عبارت است از: دود در هم یا تاریک بی‌شکل، بیرون آمدن چهارپایان (الدابة) از زمین، طلوع آفتاب از غرب و اختلالات مختلف مربوط به ستارگان. تمام اینها باعث می‌شود که انسان‌ها در نقطه‌نهایی گرد هم آیند. دجال (مسیح دروغین) و اقوام یاجوج و ماجوج نیز در آنجا جمع می‌شوند که بیانگر دوره استثنایی خاصی از وحشت و ترس است. واژه مهدی در هیچ کجای قرآن به کار نرفته است، اگر چه مفهوم هدایت الهی یکی از بنیادی‌ترین اصول بدیهی این کتاب را تشکیل می‌دهد و به این تعلیم قرآن مربوط می‌شود که هدایت الهی برای مؤمنین با رهنمون شدن غیرمؤمنان به سوی گمراهی توسط



خداوند مساوی است. از این رو در سوره‌ی ۱۸ آیه‌ی ۱۷ آمده است: "کسی که خداوند او را هدایت کند، تنها هدایت شده‌ی واقعی است [المهتدی، وجه وصفی صیغه‌ی هشتم هدی است]، اما کسی که [خداوند] او را به گمراهی رهنمون کند، هیچ پشتیبانی برای هدایت به راه راست نخواهد داشت. "هر چند قرآن با بیانی قوی به مسأله نجات بشر اشاره نمی‌کند، اما توجه عمیقی به گرفتاری انسان و اینکه چگونه می‌توانیم از آن رهایی یابیم، یا در اصطلاح خاص اسلامی، چگونه می‌توانیم بر آن فائق شویم، در ردیف افراد موفق قرار گیریم و مشمول هدایت نجات بخش (هدی، هدایه) واقع شده، در نتیجه دچار خسران نگردیم، دارد.

از جمله تصوراتی، که با این مفاهیم در ارتباط است، آن است که جامعه‌ی مقدس ذاتاً با خدا و پیامبر او ارتباط دارد. با توجه به اینکه برخی مسیحیان و یهودیان در عربستان پیش‌بینی کرده بودند که به زودی پیامبری ظهور خواهد کرد که خبر از معاد و آخرت خواهد داد (سوره‌ی ۲ آیه ۸۹) و جامعه‌ی خاص آنها را تأیید خواهد نمود و با توجه به اینکه گونه‌شناسی مسیحا باوری در خاور نزدیک به عنوان پشتیبانی برای مشروعیت امپراطوری یا پادشاهی (به ویژه امپراطور بیزانس، نجاشی حبشه، و پادشاه یهودی نوئواس در یمن) به کار رفته بود، این ادعای مسلمانان که محمد(ص) آخرین حلقه در زنجیره‌ی نبوت و "خاتم پیامبران است، ممکن است در اصل به معنای مسیحایی درک شده باشد. افزون بر این نکته، موضع و نقشی است که محمد[ص] به عنوان راهنمای الهی جامعه‌ی تازه تشکیل یافته‌ی خود به عهده گرفته، آن را با نوعی رسالت تاریخی جهان شمول و با اصرار پرتکاپو بر اهمیت جهانی آن القا نموده است. پس از رحلت او، مملکت در حال گسترش اسلامی باید معضل ماهیت هدایت آمرانه را تحت تأثیر وقایع تعیین‌کننده متوالی حل می‌کرد. طی دو قرن نخست (قرن هفتم و هشتم میلادی) دو

گرایش بنیادی به وجود آمد: شیعه که معتقد به ضرورت ادامه‌ی جاذبه‌ی رهبری نبوی در مسیر سلاله‌ی محمد از طریق منصب امامت بود و اکثریت سنی که طرفدار منصب خلافت به عنوان جانشین مشروع رهبری پیامبر بودند و در عین حال عموماً جاذبه‌ی رهبری معنوی و دینی را از خلیفه سلب کردند و ترجیح دادند که خود قرآن را مرجع و راهنمای خود به عنوان مبنای احکام قضایی و دینی قرار دهند.

شخصیت مهدی در پی تحولات دینی - سیاسی ظهور کرد، تحولاتی که در فاصله‌ی بین قتل عثمان، خلیفه سوم، در سال ۳۵ پس از هجرت؛ ۶۵۵ میلادی، و شهادت حسین [ع]، نوه‌ی محمد [ص] و پسر علی بن ابیطالب [ع]، پسرعمو و داماد محمد [ص]، پس از یک ربع قرن اتفاق افتاد. اعتقاد به مهدی به عنوان منجی منتظر باید از میان گروه‌های جاه طلب و ناآرام عرب که حامی ادعاهای علویان در خصوص رهبری مشروع جامعه بودند برخاسته باشد، همچنین از مجموعه‌ی خاصی از شرایط اجتماعی - سیاسی همراه با تفسیری متفاوت از وحی اسلامی ناشی شده باشد. این نوع معنویت فوق العاده که با قدیمی‌ترین اعتقادات در باره‌ی ظهور مهدی مربوط است، نمی‌تواند به طور ناگهانی وارد تفکر اسلامی شده باشد، بلکه خود این واژه، در مفهوم "هدایت شده از سوی خداوند"، نخستین بار در ۶۸۶ میلادی با شورش شیعی مختار در کوفه ظاهر شد. او تبلیغاتی را برای محمد بن حنفیه، سومین پسر باز مانده از علی [ع] به راه انداخت. جنبشی که مختار پایه‌گذار آن بود و کیسانیه نام داشت، باعث رواج تعدادی از ابعاد دینی نظریه‌ی شیعه در باره امام از قبیل تعیین صریح امام (نص) و غیبت و بازگشت امام منتظر یا مهدی بود. [به مدخل امامت و غیبت مراجعه کنید.]

**ظهور اسطوره مهدی در میان شیعه**  
ویژگی تفکر خاص مکاشفه‌ای کیسانیه و

## سوابق مختلف در یهودیا مسیحیت در باره شخصیت مهدی که برخی علما مطرح کرده اند همگی فاقد قطعیت هستند

گروه‌بندی‌های مرتبط با آن، گرایش انقلابی و تمایل آن به سوی نوعی آرمان‌گرایی افراطی بود که در اصل مهدی پنهان شده و متضمن انتقام جویی و خواسته‌های مشخص سیاسی بود. مهدی، شخصیتی فرجام‌شناختی و پیشگویانه تلقی می‌شد که از معرض دید بشری ناپدید شده و تا زمان ظهور مجدد و مورد انتظار خود به گونه‌ای معجزه‌آسا در وضعیتی شبیه به بهشت زندگی می‌کند؛ طبق روایتی پیشگویانه، در آن زمان او ارتش صالحان را رهبری خواهد کرد و ماجرای مخوف آخرالزمان را به راه خواهد انداخت، «زمین پر از عدل و برابری می‌شود همان‌گونه که در حال حاضر پر از بی‌عدالتی و ظلم است». او، هم به عنوان منتقم ظلم‌های وارده بر شیعه عمل می‌کند و هم پیام‌آور حکومت دینی نهایی بر روی زمین خواهد بود. در آن زمان افراد شرور و ظالم به مجازات خواهند رسید و به دنبال آن دوران حکومت سعادت‌مند توأم با تکامل اجتماعی و دینی قبل از روز قیامت آغاز می‌شود. مهدی را با حوادثی مرتبط می‌دانستند که به اعتقاد آنها خداوند قبل از روز قیامت مقرر و پیشگویی کرده بود و در قرآن از آنها به عنوان نشانه‌های آخرالزمان تعبیر شده بود.

جالب است که کیسانیه قائل به شباهت آشکاری بین شخص امام خود یا مهدی و نقش عیسی به گونه‌ای که در قرآن ترسیم شده، بودند. علی‌رغم این واقعیت که نمی‌توان گفت قرآن عیسی را مسیح موعود می‌داند، در سنت اسلامی بازگشت مجدد او

به عنوان یکی از نشانه‌های زمان قیامت پذیرفته شده است (به سوره ۴ آیه ۱۵۹ و سوره ۴۳ آیه ۶۱ مراجعه کنید). و در تفاسیر اولیه‌ی اسلامی صعود روحانی<sup>۲</sup> جسم او به آسمانها و نهایتاً رحلت او پس از بازگشت کاملاً پذیرفته شده است. بین شخصیت مهدی و ماجرای مربوط به آخرالزمان که او به راه می‌اندازد و ماجرای احیا که از قبل در ارتباط با بازگشت مجدد عیسی مطرح شده بود، نوعی ادغام یا تلفیق آشکار وجود دارد. سوابق مختلف در یهودیا یا مسیحیت در باره شخصیت مهدی که برخی علما مطرح کرده‌اند همگی فاقد قطعیت هستند (مانند بازگشت الیاس نبی، افرایم مسیح، اصطلاح مسیح‌شناسی نسطوری تحت عنوان مهدیا که شاید به محمد اطلاق شده باشد)، با وجود این تأثیر غیرقابل انکار ایده‌های دینی در رابطه با شخصیت‌های فرجام‌شناختی و پیشگویانه اولیه بر جای مانده است. این میراث با حوادث واقعی تلفیق گردید و باعث شکل‌گیری خودآگاهی شیعه اولیه و ایجاد این مفاهیم توسط آنها گردید.

در جنبش‌های گسترده‌تر شیعی طی سه قرن اول اسلام، عنوان مهدی مکرراً به وسیله مدعیان مختلف از علویان به کار می‌رفت. از قبیل محمد نفس زکیه از خاندان حسن که رهبری شورش ناکام علیه منصور، خلیفه عباسی، در سال ۷۵۸ را بر عهده داشت، یا مانند عبیدالله بنیانگذار سلسله اسماعیلیه فاطمی در افریقای شمالی در سال ۹۰۹؛ این عنوان به وسیله خلیفه عباسی المهدی (دوران حکومت ۷۷۵ - ۷۸۵) عنوانی حکومتی پذیرفته شد.

اگر چه نخست گروه‌های انقلابی که مثل قارچ از کیسانیه بیرون می‌آمدند این اصطلاح را به کار می‌بردند، جناح دیگری از شیعه که کمتر از آن گروه‌ها رسمیت نداشتند و علویان حسینی (خاندان دوازده امام) مظهر آنها بودند، انتظار منجی آینده را محور تعالیم خود قرار دادند. اما خاندان امامان حسینی در



هیچ جنبش سیاسی علناً طرفدار عصر طلایی یا معتقد به ظهور مسیحا شرکت نداشتند و به نظر می‌رسد از کاربرد واژه مهدی به عنوان لقبی برای خود، خودداری می‌نمودند و در عوض به واژه امام یا قائم ("ایستاده"، کسی که قیام خواهد کرد)، یا هادی المهدیین (راهنمای کسانی که به درستی هدایت شده‌اند) اشاره می‌کردند. با توجه به این واقعیت که هر مدعی امامت که پیروان او اعتقاد به غیبت و بازگشت او داشتند، می‌توانست مهدی بالقوه یا بالفعل تلقی گردد، احتمالاً در این دوره اولیه، مفهوم امام و مهدی تا حدودی با هم، هم‌پوشی داشتند. گروه‌های افراطی شیعه در عراق تا اوایل قرن هشتم میلادی شاهد موجی از فعالیت دینی نظری بودند. ارتباط آنها با سنت‌های قدیمی‌تر عرفانی، رهبانی، و تصوف، مبهم است اما پیامدهای مهمی برای شناخت آنها از امام و در نتیجه برای شخصیت مهدی در پی داشت. عقایدی در رابطه با معصوم بودن امام مهدی، دانش فوق طبیعی او، نحوه وجود معراجی او، قدرت شفاعت، بخشش گناه او، و عظمت و حقانیت آینده او به وجود آمد و سرانجام در بین بزرگترین جمعیت شیعه یعنی شیعه دوازده امامی، به عنوان جزء لازم شخصیت مهدی پذیرفته شد. این سلسله متوالی امامان در برابر تمایل گروه‌های رقیب برای "توقف" بر سر امامی خاص و انتظار ظهور مجدد او به عنوان مهدی و در برابر شاخه‌های فرعی شیعه که شماری از مدعیان مسیحایی را در بر می‌گرفت که ویژگی پیش‌گویی‌گرایی شیعه افراطی بود تا زمان رحلت امام یازدهم، حسن عسکری، در سال ۸۷۴، مقاومت نمودند. سپس اعلام کردند که پسر این امام، زنده اما غایب است و تا زمان بازگشت قریب الوقوع او، ارتباط با او از طریق مجموعه‌ای از نمایندگان (چهار نائب در زمان غیبت صغری) امکان‌پذیر بود. پس از سال ۹۴۱، فقهای دانشمند و برجسته شیعه دوازده امامی

غیبت کامل امام دوازدهم یا امام غایب تحت عنوان مهدی را تا زمان بازگشت او در آخرالزمان پذیرفتند، به این ترتیب دوره غیبت کبری آغاز شد که هنوز هم ادامه دارد. این تصمیم بیانگر انتخاب موضع شیعه افراطی در باره مهدی بود که خاندان حسین قبلاً آن را رد کرده بودند، اما هم اکنون بر بسط تصویری معنوی‌تر از مهدی بر اساس اعتقاد به یک شخص رهایی‌بخش تأکید داشتند. این اعتقاد با آداب خاص عبادی و دینی که خاص شیعه‌ی دوازده امامی بود تقویت شد و با الهیات خاص آنها در مورد عدم توارث، شهادت و رنج صالحین رواج یافت. [به مدخل آیین شیعه مراجعه کنید.]

### شخصیت مهدی (عج) در تاریخ

ویژگی‌های اصلی اسطوره مهدی از زمان نخستین ظهور آن تغییر محسوسی نکرده است. مهدی در زمان هرج و مرج و آشوب قبل از آخرالزمان ظهور خواهد کرد، زمانی که مشخصه آن اغتشاش و تفرقه (در عربی فتنه گفته می‌شود، که تحت اللفظی به معنی "امتحان"، "اختلاف" است) است که نشانه امتحان نهایی انسان‌ها به وسیله خداوند است، و شورش‌ها یا فتنه‌انگیزی‌ها (ملاحم) باعث شقاق و اختلاف می‌گردد. این دوره طولانی تباهی اجتماعی و سیاسی منجر به تسلط شرارت، دروغ و بی‌عدالتی در حوزه‌های اجتماعی و طبیعی می‌شود. این آشفتگی به عنوان آزمایش خلوص مؤمنینی که باقی می‌مانند محسوب می‌شود. در مرحله نهایی این فرایند، مهدی بار دیگر ظهور خواهد کرد تا دوره جدیدی از احیاء را به وجود آورد و صحت وحی الهی را بار دیگر اثبات نماید. این امر با احیای عدالت سابق از طریق تأسیس مجدد دین و جامعه اسلامی انعطاف‌پذیر (یعنی شکلی از حکومت) در یک عصر طلایی کوتاه مدت میانی، تحقق خواهد یافت. برخی شرح‌ها بازگشت او را در روز عاشورا، دهم محرم، به مکه

## ● موارد بسیاری در تاریخ اسلام در خصوص مدعیان مهدی وجود دارد که بر آن بوده اند تا نظم سیاسی موجود را به چالش کشیده، به زور سلاح آن را سرنگون کنند.

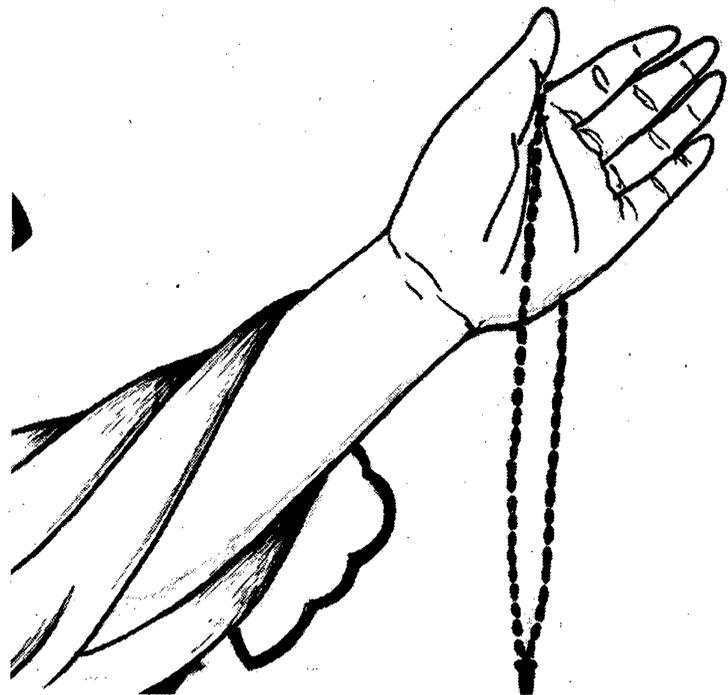
می دانند که از آنجا به کوفه می رود تا به همراهی ارتشی از مؤمنین خشم و عقاب الهی را تحقق بخشد. پیش از رحلت با کمک سپاهی فرشته خو و به یاری عیسی که بازگشته است، به مدت هفت یا هفتاد سال حکومت خواهد کرد.

در رهبری جاذبه مند آیین شیعه، هویت مهدی (اگر چه غایب است) شناخته شده است، و فقط زمان بازگشت او معلوم نیست، زیرا اعتقاد به مهدی عبارت است از بازگشت امام غایب یا صاحب الزمان، اما برخی مسلمانان سنی می گویند هیچ کس نمی تواند هویت مهدی را بشناسد تا اینکه او عملاً ظهور نماید و مطالبات خود را اعلام نماید، حال آنکه دیگران نقش مهدی را فقط تا حد عیسی محدود می کنند. او مانند انسانی عادی ظهور می کند که کار او مانند یک اصلاح گر یا فاتح است. اگر چه برخی از سنی ها قبول دارند که مهدی در خفاست، اما این غیبت را فوق طبیعی نمی دانند. گاه متکلمین سنی کل اعتقاد به مهدی را با چنان احتیاط و تردیدی مورد توجه قرار می دهند که عنوان یا نقش او را نادیده می گیرند و این روند، امروز جریان تجدید شده ای به خود گرفته است. دو مجموعه از چهار مجموعه اصلی روایی سنی، یعنی مجموعه بخاری و مسلم، هیچ اشاره ای به مهدی نکرده اند و غزالی (متوفی: ۱۱۱۱) متکلم بر جسته، در اثر ممتاز خود تحت عنوان احیاء علوم الدین هیچ بحثی از او به

میان نیاورده، فقط به علائم الساعة در قرآن اشاره کرده است. اما سنی ها اعتقاد کلی مسلمانان به تجدید کننده یا اصلاح گر (مجدد) را که در هر قرن در گوشه ای از جهان اسلام ظهور می کند و نقش او به عنوان احیاگر دین و تقویت جامعه تا حدودی مانند نقشی است که به مهدی واگذار شده است قبول دارند. اعتقاد به مهدی در قلوب توده های مسلمان زنده نگاه داشته شده است، به طوری که هنگام بروز مشکلی خاص به خاطر سلطه بیگانه یا بی ثباتی اجتماعی، این اعتقاد بلافاصله فعال می شود و مردم بازگشت قریب الوقوع او را برای اصلاح تاریخ انتظار می کشند. گرایش دیرینه و ریشه دار به چشم انداز نبوت در تاریخ پیشگویی شده و چشم انداز تاریخ در نبوت تحقق یافته، و مجموعه اسطوره های انباشته شده پیرامون مهدی، توأم با آرمانی ساختن تاریخ آغازین جامعه اسلامی به عنوان الگوی نخستین برای ماجرای مقدس آخرالزمان که در وجدان مسلمانان جای داده شده است، باعث شد مفهوم مهدی که در بین سنی ها به طور ناقص تعریف شده بود، با موقعیت موجود هماهنگ گردد، یا طوری تنظیم گردد که یک داوطلب مناسب بتواند خود را مهدی منتظر اعلام کند.

موارد بسیاری در تاریخ اسلام در خصوص مدعیان مهدی وجود دارد که بر آن بوده اند تا نظم سیاسی موجود را به چالش کشیده، به زور سلاح آن را سرنگون کنند. جنبش های مهدی به ندرت توانسته اند موفقیت سیاسی واقعی دست یابند، جز آنکه توانسته اند پایه ای را بر اساس وفاداری های قبیله ای موجود، بر اساس مفهوم روستایی یا اندکی شهری از خلع ید یا واگذاری، یا بر اساس الگوهایی از مخالفت اجتماعی - سیاسی بنیان نهند. چند عامل در ظهور شخصیت های الهام گرفته از مسیحا دخالت داشته است. سنت اعتقاد به عصر طلایی به عنوان ابزاری مناسب برای مخالفت اجتماعی و مخالفت دینی از همان ابتدا در تاریخ اسلام وجود داشته است. عامل دیگر که هنوز نیز بسیار مؤثر





● در رهبری جاذبه‌مند  
آیین شیعه، هویت مهدی  
(اگر چه غایب است)  
شناخته شده است، و فقط  
زمان بازگشت او معلوم  
نیست

ندارد اما در امامت شیعی ضرورت دارد.

با آغاز قرن قبل از هزاره اول در اسلام، پیشگویی‌ها در باره مهدی اهمیت خاصی یافت. از جمله شخصیت‌های مختلفی که در این زمینه اهمیت یافته‌اند می‌توان به معلم صوفی، سید محمد نوربخش، اشاره کرد که رهبری جنبش مهدی‌گرا در بدخشان (ایران) و سپس عراق را به عهده داشت، همچنین چند مبلغ اصلاح‌گر برجسته در هند مسلمان، از جمله میرسید محمد جانپوری (متوفی: ۱۵۰۵ در بلوچستان)، و [جنبش] مهدویت هندوستان که در اصل گروهی رعیت سنی بسیار مقدس مآب متشکل از زاهدان ستیزه‌جو بودند که با رهبران دینی رسمی دربارها مخالف بودند. رهبر آنها شیخ علائی به خاطر خودداری از رها کردن ادعای مهدی‌گرایی تا حد مرگ مورد شکنجه قرار گرفت. در حوزه ترکیه-ایران، این منطقه شاهد آشوب‌های عمده‌ای بود که منجر به اختصاص موفقیت‌آمیز ایدئولوژی مهدی به رهبران قبیله به ویژه ظهور سلسله صفوی در ایران در آغاز قرن شانزدهم، تحت حکومت شاه اسماعیل گردید که خود را مهدی اعلام نموده بود.

سر زندگی و قدرت میراث مهدی در اسلام با مهدی سودانی، محمد احمد بن عبدالله، نمود بسیار چشمگیری یافت. جنبش او به نام مهدیه، در دو دهه‌ی آخر قرن نوزدهم به سرعت سودان وابسته به ساکنان دره نیل را فرا گرفت و به میزان زیادی باعث

است، وضعیت پویا و به لحاظ معنوی ستیزه‌جوی آگاهی و ایدئولوژی اسلامی توأم با تعریف خود به عنوان نظام نجات‌بخش جهان شمول و نهایی است. به طور کلی، جنبشهای موفق، سه مرحله متوالی را پشت سر می‌گذارند:

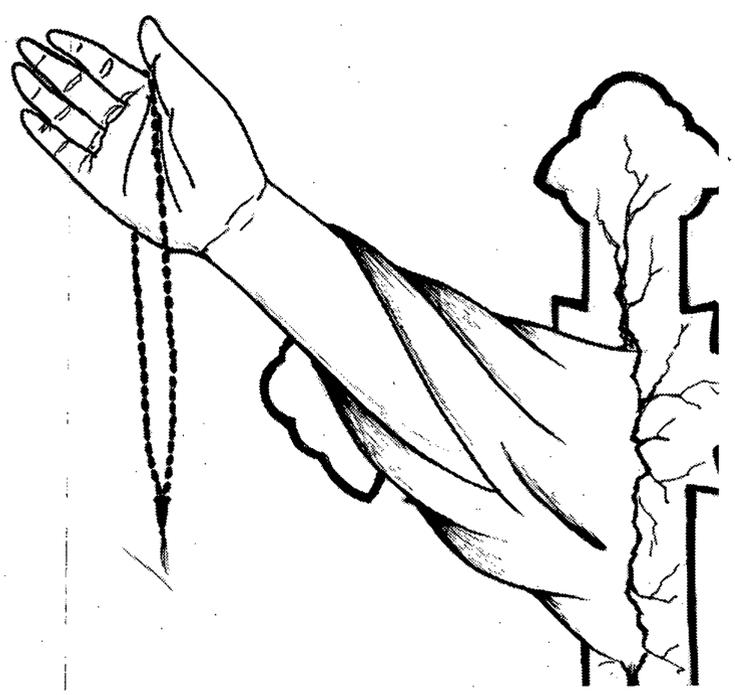
- (۱) ابتدا، تبلیغ وسیع نوعی احیای اسلامی با هدف کسب حمایت در میان افراد ناراضی و محروم؛
- (۲) ایجاد سازمانی نظامی برای انجام تبلیغات مربوط به مطالبات آن و ریسک‌های نظامی به وسیله افزایش طرفداران؛
- (۳) ظهور یک دولت سرزمینی که آرمان‌های دینی آن به تدریج کهنه می‌شود.

ابن تومارت<sup>۳</sup> (متوفی ۱۱۳۰) که کار خود را به عنوان یک اصلاح‌گر اخلاقی آغاز کرد، امپراطوری المهاد<sup>۴</sup> را بنیان نهاد که در اوج خود در سراسر افریقای شمالی گسترش یافت، یعنی از منطقه‌ای که هم اکنون مراکش و فز<sup>۵</sup> در مغرب تاتونس و تری پولیتانیا را در بر می‌گیرد. ادعای مهدی بودن او علاوه بر ادعای برخورداری از اصل و نسب علوی و دارا بودن نشانه‌های مشروعیت علویان از قبیل شمشیر پیامبر، با اعتقادات کلامی سرسختانه سنی و ریاضت شدید همراه بود. برداشت او از مهدی و خلیفه حاکمی از تأکید بر معصوم بودن حاکم بود، خصوصیتی که معمولاً در دیدگاه‌های سنی پیرامون خلافت وجود

شد که سودان به عنوان یک دولت - ملت در قرن بیستم ظاهر شود. در ماه ژوئن ۱۸۸۱ این مرد مقدس و برجسته‌ی سودانی مهدی بودن خود را علناً در جزیره‌ی آباء اعلام کرد و طی مدت نسبتاً کوتاهی جنبش او سودان را به حکومتی اسلامی و سپس پادشاهی اسلامی تبدیل کرد که از زمان فوت مهدی در سال ۱۸۸۵ تا زمان فروپاشی آن در سال ۱۸۹۸ - ۱۸۹۹، تحت حکومت قائم مقام ارشد و جانشین موقت او، خلیفه عبدالله، بوده است. مهدیه آخرین طغیان در میان مجموعه جنبش‌های بزرگ معنوی با ماهیت احیاگرایانه سنی بود که به حکومت‌های پادشاهی دینی تبدیل شد: وهابیه در عربستان، جنبش فالبه<sup>۷</sup> توسط شهو عثمان دان فودیو<sup>۸</sup> در سوکوتو<sup>۹</sup>، و سنوسیه<sup>۱۰</sup> در سیرنایکا<sup>۱۱</sup>. انجمن صوفی سنوسی از پیوندهای میراث مهدی بهره‌برداری کرد و عنوان مهدی به رهبر آن اطلاق گردید؛ با این حال، مهدی سودانی که به طور کامل دارای شخصیت مهدی‌گرا بود، آگاهانه کوشید شرایط فرضی جامعه

اصیل "محمدی" و همچنین رسالت پیامبر اسلام را باز آفرینی کند. ویژگی تا حدودی زاهدانه و تا حدودی کمونیستی جنبش او با اشاراتی به مجموعه اسطوره‌های عصر طلایی تقویت گردید، از قبیل ادعای او مبنی برداشتن شمشیر پیامبر، موضوعی که شیعه اولیه آن را نماد مسیحایی مشروعیت و اقتدار دانسته است. [به مدخل وهابیه؛ جهاد؛ و زندگی‌نامه‌های دان فودیو و محمد احمد مراجعه کنید.] در ایران، جنبش مهم باب، "زمینه‌ساز مهدی"، به رهبری سید علی محمد شیرازی (که در سال ۱۸۵۰ اعدام شد) با نشان دادن اینکه میراث مهدی، علی‌رغم سکوت سیاسی حاکم بر مقامات بلند پایه دینی شیعه، هنوز برای برخی شیعیان راه حل معتبری است، آسودگی خاطر شیعه دوازده امامی را به هم ریخت. جنبش بابی تا اوایل قرن بیستم منجر به ایجاد دین بهایی به عنوان یک دین جداگانه گردید. [به مدخل باب‌ها و بهایی‌ها مراجعه کنید.] اگر بیشتر به طرف شرق برویم، در پنجاب، میرزا غلام احمد قادیانی (متوفی

**جریان‌های احیاگرو آرمانگرایی افراطی در مسیحاگرایی اسلامی یکدیگر را تقویت می‌کنند و کشمکش‌های اسطوره مهدی بین این دو جهت ایجاد می‌کند، تبیین می‌کند که چگونه می‌تواند یا انقلابی بزرگ و پیامبرگونه در تاریخ ایجاد کند یا باعث "خنثی سازی" نظری و حتی عرفانی آرمان‌های مربوط به عصر طلایی گردد.**



۱۹۰۸) را می‌بینیم که جنبش احمدیه را بنیان نهاد و مدعی شد که نقش مهدی را بر عهده دارد و پیروان او در پاکستان و غرب اروپا، حتی در اواخر قرن بیستم به تبلیغ او ادامه می‌دادند. آموزه‌های احمد در اصل با اصول اسلام سنی مطابقت دارد اما ابراز خشونت یا هر گونه ادعای سیاسی را نفی می‌کند. خود مهدی تجسم عیسی و محمد[ص] تلقی می‌شود، و در عین حال تجسم کریشنا، دومین مسیح یا مسیح موعود است. [به مدخل احمدیه نیز مراجعه کنید.]

### میراث مهدی (عج)

بیشتر آنچه که دربارهٔ مهدی گفته می‌شود در مقولاتی به جز ایده‌های انتزاعی واقع می‌شود. افسانه‌های مربوط به نقش، شخصیت، اعمال و قدرت او گفتمانی عینی و اغلب روایی است که باید آن را در بافت حیات دینی و معنوی مسلمانان درک کرد. در عین حال، حوزه‌های اجتماعی و سیاسی جامعه را نمی‌توان از مجموعه اسطوره‌های مربوط به مهدی تفکیک نمود. جریان‌های احیاء و آرمان‌گرایی افراطی در مسیح‌گرایی اسلامی یکدیگر را تقویت می‌کنند و کشمکش که اسطوره مهدی بین این دو جهت ایجاد می‌کند، تبیین می‌کند که چگونه می‌تواند یا انقلابی بزرگ و پیامبرگونه در تاریخ ایجاد کند یا باعث "ختی‌سازی" نظری و حتی عرفانی آرمان‌های مربوط به عصر طلایی گردد.

شخصیت مهدی در احیای رهبری متعصب یا نا بهنگام، در بسیج توده‌هایی که به خاطر مصادره اموالشان یا بی‌توجهی اجتماعی سرکوب شده یا تحت فشار سلطه بیگانه بوده‌اند و در ارائه پشتوانه ایدئولوژیکی و دینی برای کمک به مؤمنین در مقابلهٔ خلاق با واقعیت‌های تاریخی خود، نقشی اسطوره‌ای داشته است. شکل‌های دیگر این اسطوره که بیشتر پیامبرگونه و ستیزه‌جو بوده است به سمت تحول انقلابی تاریخی گرایش داشته، به لحاظ تاریخی اهمیت بیشتری دارد. سازگاری بدعت و مهدویت در اسلام تصادفی نیست و ایده‌های ظاهراً "بدعت‌گذارانه" به عنوان عوامل ذاتی، در واقع نقشی معقول و موجه در

تاریخ اسلام داشته‌اند. نیروهای حیاتی که در شخصیت مهدی نهفته است، حتی زمانی که حافظ کشمکش سازندهٔ موجود در تفاسیر متناقض از وحی هستند، به طور بالقوه آشفته و ویرانگرند. امروزه استفاده از این میراث همچنان ادامه دارد و هنوز به بیم‌ها و امیدهای مسلمانان دامن می‌زند، چه در احیای عظیم شیعه که هم اکنون در ایران و لبنان جریان دارد چه در بین رهبران بنیادگرایی عرب که بر اصلاح و اسلامی کردن حکومت و جامعه پافشاری می‌کنند.

[به فرجام‌شناسی، مقاله‌ای پیرامون فرجام‌شناسی اسلامی؛ نبوت؛ و مدرنیسم، مقاله‌ای پیرامون مدرنیسم اسلامی مراجعه کنید.]

### کتاب‌شناسی

هیچ مطالعه جامعی در خصوص کل موضوعات مربوط به مهدی و نهضت‌های تاریخی وجود ندارد. یک آشنایی کلی در "مهدی" اثر کریستین اسنوک هارگرونز در *Versprede Geschriften* (بن، ۱۹۲۳) <sup>۱۲</sup>. جلد ۱، صص ۸۱-۱۴۷. آرایه شده است؛ نظر یک مسلمان آگاه در سده‌های میانی نیز در مقدمهٔ ابن خلدون به نام درآمدی بر تاریخ، ترجمهٔ فرانز روزنتال <sup>۱۳</sup> (لندن، ۱۹۸۵)، جلد ۲، صص ۲۳۲-۱۵۶ آمده است.

مطالعات مهم پیرامون ظهور اولیه، سابقه، و توسعهٔ ایدهٔ مهدی در نهضت‌های شیعه عبارتند از: اثر ژان اولاف بلیچ فلدت <sup>۱۴</sup> تحت عنوان آغاز مهدویت (لیدن، ۱۹۸۵) <sup>۱۵</sup>.

و اثر ای. ای. ساشادینا <sup>۱۶</sup> تحت عنوان مهدویت در اسلام، ایدهٔ مهدی در شیعهٔ دوازده امامی (آلبانی، ۱۹۸۱).

جهت اطلاع از آغاز انقلاب عباسی می‌توان به اثر موسی شارون تحت عنوان عناوین سیاه شرق: دورهٔ تکوین یک شورش (بیت المقدس؛ ۱۹۸۳) مراجعه کرد.

تحقیق ادگارد بلوکه <sup>۱۷</sup> تحت عنوان *musulmane*

## Le messiarisme dans l'heterodoxie

(پاریس، ۱۹۰۳) نیز در رابطه با نهضت‌های افراطی شیعه مفید است، اگر چه باید با دقت آن را مطالعه کرد.

روند کلی سنت دوازده امامی در خصوص مهدی و آثار عرفانی آن رامی توان در اثر شیخ مفید تحت عنوان: کتاب الارشاد؛ کتاب راهنمای زندگی دوازده امام، ترجمه‌ی آی. کی. ای. هاوارد (لندن، ۱۹۸۱)، صص ۵۵۴-۵۲۴؛

در اثر هانری کوربن<sup>۱۸</sup> تحت عنوان: پیرامون اسلام ایرانی؛ ابعاد معنویات در فلسفه، جلد ۱، ciman، Le Shi, isme duode (پاریس، ۱۹۷۱)، فصل ۲، ۶ و ۷؛ و در مقالات کوربن در شماره ۲۸ (۱۹۵۹) و شماره ۳۲ (۱۹۶۸) یافت.

تجربه مهدویت در شیعه اسماعیلیه به وسیله پی. جی. واتیکیوتیس<sup>۱۹</sup>: نظریه فاطمیون در باب دولت (لاهور، ۱۹۷۵)؛

دیوید برابیر<sup>۲۰</sup> در ریشه‌های دین دروز، در اسلام ۵۲ (۱۹۷۵): ۸۵-۴۷، ۲۶۲-۲۳۹، و ۵۳ (۱۹۷۶): ۲۷-۵؛ و مارشال جی. اس هاجسون<sup>۲۱</sup> در نظام خشاشین [فدائیان حسن صباح] نزاع اسماعیلیان نزاری در برابر جهان اسلام (۱۹۵۵؛ چاپ مجدد، نیویورک، ۱۹۸۰)

بررسی شده است.

در خصوص مدعیان مهدویت در هند در قرون شانزدهم و هفدهم ارزیابی مختصری به وسیله اس. ای. ارزوی<sup>۲۲</sup> در: نهضت‌های احیاگر مسلمان در شمال هند ارائه شده است (آگرا، ۱۹۶۵) در خصوص احمدیه، به اثر اسپنسر لاوان<sup>۲۳</sup> تحت عنوان: نهضت احمدیه تاریخ و دورنما (دهلی نو، ۱۹۷۴) مراجعه کنید.

تحقیق خوبی در خصوص ابعاد مختلف مهدویت و ائتلاف‌های صوفی - شیعی پس از دوره مغول به وسیله میشل ام. مازویی<sup>۲۴</sup>، تحت عنوان ریشه‌های صفویه: شیعه، صوفی‌گری و غلات<sup>۲۵</sup> (ویزبادان، ۱۹۷۲) انجام شده است.

در خصوص باب و ایران در قرن نوزدهم، به اثر ادوارد جی. براون<sup>۲۷</sup> تحت عنوان مطالبی در خصوص مطالعه دین بابیه (کمبریج، ۱۹۱۸)؛

و اثر ای. ال. ام. نیکولاس<sup>۲۸</sup> تحت عنوان سید علی محمد، ملقب به باب (پاریس، ۱۹۰۵) مراجعه کنید.<sup>۲۹</sup>

- Leiden .۱۵  
A. A. Sachedina .۱۶  
Edgard Bloche .۱۷  
Henry Corbin .۱۸  
P. J. Vatikiotis .۱۹  
David Bryer .۲۰  
Marshall G. S. Hodgson .۲۱  
S. A. A. Rizvi .۲۲  
Spencer Lavan .۲۳  
Michel M. Mazzoui .۲۴  
Gulat .۲۵  
Wiesbaden .۲۶  
Edward G. Browne .۲۷  
A. L. M. Nicolas .۲۸  
DÓUGLAS S. CROW نویسنده: داگلاس اس. کروا .۲۹

۱. اشراط الساعة  
۲. Docetic  
۳. Ibn Tumart  
۴. Almohad  
۵. Fez  
۶. Aba  
۷. Fulbe  
۸. Shehu usuman Dan Fodio  
۹. کشوری در شمال غربی نیجریه (مترجم) = Sokoto  
۱۰. Sanusiyah  
۱۱. کشوری در شمال شرقی کشور لیبی (مترجم) = Cyrenaica  
۱۲. Bonn  
۱۳. Franz Rosenthal  
۱۴. Christiaan Snouck Hurgronje

